

الله
الله
الله

الله

الله

دانشگاه علامه

دانشگاه علامه

پایه کارشناسی ارشد رشته ریاضیات
دانشگاه علامه

موضوع

مربوطی عوامل حوسبه بر حقیقت س کند در زواره در منطقه ۷ تهران

(بر پایه نظر استخرا از من کنعان بادی ۵۶ سال در منطقه تهران)

استاد راهنما

طی استادی دین عزیزت الله س م اکرام

استاد

که کتبه دین عزیزت الله س م اکرام

استاد

دانشگاه علامه

۱۳۸۶

۹۵۵۴

چکیده:

دگرگونی‌ها و تغییرات سریع و شتابان در ساختار جمعیتی جهان که ناشی از بالا رفتن میزان امید به زندگی و کاهش میزان باروری و نرخ زاد و ولد می‌باشد، نمایانگر آن است که نسبت افراد سالمند به کل جمعیت رو به افزایش است. بنابراین، افزایش درصد سالمندان که تا چندی پیش، ویژگی جوامع توسعه یافته محسوب می‌شد، هم اکنون شاید بتوان گفت تبدیل به ویژگی جمعیتی در تمامی جوامع، اعم از توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته گردیده است و یا بزودی خواهد گردید.

از سوی دیگر تحولات اقتصادی و اجتماعی عصر جدید، موجبات کاهش نقش سنتی خانواده‌ها در زمینه مراقبت و حمایت از والدین و سالمندان خانواده و همچنین کاهش درآمد سرپرست خانوار برای تأمین اعضای خانواده گردیده است و در نتیجه موجبات تضعیف موقعیت و منزلت سالمندان در خانواده‌ها را فراهم آورده است.

این تحقیق با هدف بررسی عوامل مؤثر بر موقعیت سالمند در خانواده انجام گرفته است و عوامل اثرگذار را در سه بعد اجتماعی، خانوادگی و زیستی مورد ارزیابی قرار داده است. عواملی همچون نوع خانواده فرد سالمند از حیث گستردگی و سنتی بودن، وضعیت اقتصادی فرد سالمند، وضعیت سلامت فرد سالمند و میزان مذهبی بودن خانواده فرد سالمند، دارای تأثیرات مثبت و قوی بر موقعیت فرد سالمند در خانواده بوده‌اند. همچنین عوامل دیگر نظیر میزان تحصیلات فرد سالمند، میزان همکاری و سن فرد سالمند نیز در مراتب بعدی، دارای تأثیرات مثبتی بر این امر می‌باشند.

کلید واژه‌ها: سالمندان، موقعیت، خانواده گسترده، وضعیت اقتصادی، موقعیت اجتماعی، کیفیت زیستی.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	فصل اول: کلیات تحقیق
۲	- مقدمه
۴	- طرح مسأله
۶	- هدف تحقیق
۷	- ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق
۸	- فرایند تاریخی موضوع تحقیق
۱۶	- دوره پیری
۱۹	- اصطلاحات مرتبط با سالمندی
۲۸	فصل دوم: مروری بر ادبیات موضوع و دیدگاههای نظری تحقیق
۲۹	- نظریه های زیستی - پزشکی
۳۰	• نظریه نقصان دستگاه ایمنی
۳۰	• نظریه پیر شدن سلولی
۳۱	• نظریه های تغییرات سیستم غده داخلی
۳۲	• نظریه های توارثی
۳۲	• نظریه افسردگی

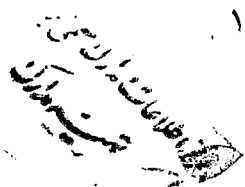
۱۳۸۷ / ۱۲ / ۲۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
فهرست کتاب

۹۵۵۳

- ۳۲ نظریه مواد زائد •
- ۳۳ نظریه های جامعه شناختی -
- ۳۳ نظریه عدم تعهد یا عدم مشارکت و دیدگاه کارکردگرایانه •
- ۳۶ نظریه فعالیت و دیدگاه عمل متقابل اجتماعی •
- ۳۸ نظریه مبادله •
- ۴۰ نظریه محیط اجتماعی •
- ۴۱ نظریه تداوم •
- ۴۱ اشخاص مسن به عنوان یک فرهنگ فرعی •
- ۴۲ طبقه بندی اجتماعی •
- ۴۴ دیدگاههای مرتبط با خانواده -
- ۴۴ خانواده •
- ۴۶ نظریه ساختاری - عملکردی •
- ۴۸ نظریه تکاملی خانواده •
- ۵۳ سالمندی و فرایندهای روانشناختی مربوط به آن -
- ۵۶ مروری بر تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع تحقیق -
- ۶۶ مروری بر طرح بین المللی اقدام در مورد سالخوردگان -
- ۷۲ سالمندی در اسلام -
- ۷۶ سالمندی و تأمین اجتماعی -
- ۱۰۰ چارچوب نظری تحقیق -

۱۰۸ فصل سوم: روش شناسی تحقیق
۱۰۹ - روش شناسی تحقیق
۱۱۰ - ویژگی های روش تحقیق
۱۱۱ - روش تحقیق
۱۱۲ - جامعه آماری و جامعه نمونه
۱۱۳ - روش نمونه گیری
۱۱۳ - تعیین حجم نمونه
۱۱۴ - نحوه جمع آوری داده ها و اطلاعات
۱۱۵ - روایی و پایایی وسایل اندازه گیری
۱۱۵ - فنون مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده ها
۱۱۶ - فرضیه های تحقیق
۱۱۶ - تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها
۱۲۶ فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها:
۱۲۸ - سؤالات مربوط به هر یک از فرضیات تحقیق
۱۳۰ - نتایج توصیفی متغیرها
۱۴۳ - آزمون فرضیات (جداول فرضیات)
۱۵۹ - تحلیل چند متغیره
۱۶۸ فصل پنجم: خلاصه، نتیجه گیری، محدودیت های تحقیق و پیشنهادات
۱۶۹ - خلاصه مباحث و جمع بندی یافته ها



۱۷۳ نتیجه گیری
۱۸۱ محدودیت های تحقیق
۱۸۴ پیشنهادات
۱۸۴ • پیشنهادات پژوهشی
۱۸۸ • پیشنهادات برنامه ریزی
۱۹۲ منابع و مآخذ

- ضمائم و پیوست ها

فصل اول:

کلیات تحقیق

مقدمه:

سالخوردگی همه ما را غافلگیر می کند. هر انسانی برای خودش موجودی یکه و بی مانند است. ولی هنگامی که سرنوشت محتوم و مشترک همگانی دامنگیر خودمان می شود، غالباً سخت یکه می خوریم و دچار شگفتی می شویم. کهنسالی یک سرنوشت مشترک همگانی است و هنگامی که زندگی ویژه و شخصی ما را در چنگ می فشارد مات و مبهوت می شویم. (سیمون دوبوار، ج ۲، صفحه ۴۵۵)

سالمندی بخشی از روند زیستی است که تمامی موجودات و جانداران جهان با گذشت زمان به آن دچار می گردند اما این روند چنان تدریجی و آهسته پیش رفته و صورت می پذیرد که به سهولت به چشم نمی آید. پدیده سالمندی ویژگی هایی مختص به خود دارد که در جوامع مختلف با برخوردها و عکس العمل های متفاوتی روبرو می گردد. از دید بسیاری از اندیشمندان جامعه شناسی، روانشناسان و علمای علوم رفتاری، پیری به عنوان یکی از دورانهای عمر انسان، در برگیرنده نوعی بلوغ بیولوژیکی - جسمی و روانی و کمال و به عبارتی سرنوشتی زیست شناختی است که تحقق آن البته مستلزم وجود و حضور شرایط مناسب زیستی، روانی، اجتماعی است ک طی ادوار متوالی زندگی بشر، بواسطه تغییرات و تحولات تدریجی و پیوسته حاصل می گردد. (مثنوی، ۱۳۷۷، ص یک)

بررسی های انجام شده در زمینه سالمندی و همچنین آمار و ارقام اعلام شده توسط سازمان بهداشت جهانی و سایر مراجع ذی صلاح، حکایت از سرعت پیشرفت روند سالمندی و افزایش تعداد و شماره سالمندان در جهان، علی الخصوص در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه دارد.

سالمندی به عنوان بخش مهمی از زندگی هر فرد انسانی خود، متأثر از ویژگی ها و تحولات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه بوده بطوری که با توجه به تغییرات و دگرگونیهای حاصل در عصر جدید و پیشرفت علم پزشکی، تکنولوژی، بهداشت و درمان و امکان دستیابی به منابع غذایی بهتر و بیشتر، طول عمر افراد نیز افزایش یافته و در نهایت نرخ امید به زندگی نیز در جوامع مختلف رو به صعود گذاشته است. از سوی دیگر، همین تغییرات و دگرگونی های اجتماعی و اقتصادی، خود باعث ایجاد تغییر در ابعاد خانواده ها و روابط میان اعضای آنها و نقش افراد در خانواده و جامعه گردیده است. در نتیجه مسائل جدید و خاصی در زمینه نگهداری و حمایت و مراقبت از سالمندان بوجود آورده است.

در ممالک در حال توسعه و جوامع سنتی من جمله ایران که پای بندی به برخی اعتقادات فرهنگی و دینی هنوز پایرجاست، حضور ارزش های فرهنگی مثبت و دیرپا هم در نهاد خانواده و هم در نظام فامیلی به صورت ریشه دار و عمیق در مقایسه با معیارها و پدیدارهای مادی حاکم بر جوامع غربی موجب گردیده که سالخوردهگی جمعیت به صورتی که برای آن جوامع مطرح است، مسأله آفرین نباشد. (مثنوی، ۱۳۷۷، ص پنج)

اما از سوی دیگر پیشرفت، رشد و ترقی جامعه، تحت شرایط و امکانات عصر تکنولوژی به تدریج باعث کم رنگ شدن و سستی و از هم گسیختگی بافت سنتی خانواده گردیده و خواهد گردید و این امر موجب بروز مشکلات و نارسایی ها و خلل در موقعیت و جایگاه افراد سالمند به عنوان قشر آسیب پذیر جامعه می گردد. در نتیجه توجه به این دسته مسائل در ارتباط با موضوع مورد بحث، اهمیت ویژه ای می یابد.

طرح مسأله:

سالمندی به عنوان یک فرایند زیستی به طور طبیعی و حتمی با سرنوشت آدمیان و افراد انسانی عجین و آکنده شده است. همان گونه که در قبل نیز آمد، این پدیده در حال حاضر بر خلاف آنچه در گذشته وجود داشته، تحت شرایط علمی، پزشکی، تغذیه ای و . . . وضعیت خاصی پیدا کرده است. طول عمر بیشتر با پیشرفت روزافزون، عواقبی را در خود پنهان دارد که در زمره مسائل مورد توجه و اصلی در اکثر جوامع کنونی جهان از توسعه یافته گرفته تا در حال توسعه و توسعه نیافته قرار می گیرد.

در ایران جمعیت سالمند نسبت به کل جمعیت در فاصله پنج سرشماری اخیر یعنی از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵، سیری صعودی داشته است. طی چند دهه تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و توسعه مؤسسات اجتماعی و همچنین تغییرات تکنولوژیک، سیستم خانواده و خویشاوندی در ایران را دستخوش تغییرات شگرفی نموده است. شیرازه و انسجام خانوادگی به سستی گراییده و تغییر در نظام ارزش ها و پراکندگی خانواده و تمایل به سوی خانواده زن و شوهری به همراه کاهش کارکردها و نقش های خانواده را باعث گردیده است.

اثر تغییرات و تحولات در خانواده ها و دستبرد نهادهای اجتماعی به حریم کارکرد خانواده، بسیاری از کارکردها و عملکردهای خانواده را به سیستم اجتماعی محول کرده و در نتیجه موجب تغییر در نقش برخی اعضا و مخصوصاً منجر به کاهش نقش های سالمندان در خانواده شده است. و این کاهش، بر میزان پذیرش سالمندان در خانواده اثر گذاشته است. خانواده زن و شوهری امروزی از شرایطی که شبکه بسیار وسیعی از ارتباطات، وظایف و کارکردها به صورت گسترده در آن جریان داشت، به خوابگاه اعضای خانواده تبدیل شده

است. افراد خانواده به ندرت به صورت تفاهمی در کنار هم قرار می گیرند و در چنین تجمعی که اسم آن به سیاق گذشته لفظاً خانواده است، سالمند مهاجر است، هم از نظر فیزیکی و هم از نظر فکری و گرچه خود را در جمع می بیند ولی در واقع تنها است. وضع زندگی ماشینی، مهاجرت و جابجایی خانواده ها در پی تلاش معاش، اشتغال، تحصیل و ازدواج برون گروهی و دیگر عوامل، روند دائم التزاید جدا زیستی خانواده ها از همدیگر، مخصوصاً در شهرها و زندگی برج نشینی، موجب انزای اجتماعی سالمندان گردیده است و در نتیجه اندوخته های عمر آنان برای نسل فن سالار امروز متفاوت و بلکه متضاد است. (مثنوی، ۱۳۷۸، ص ۳۳۶).

لذا با توجه به موارد یاد شده و با توجه به عرف، شرع و قانون حاکم بر جامعه ایران که نسل جوانتر و دولت و ملت را مکلف به نگهداری و حمایت از سالمند و ادای نیازمندیهای آنان می نماید، پرداختن به عواملی که موجبات ثبات، دوام و منزلت سالمند را در خانواده تحت تأثیر قرار می دهد و جلب توجه خانواده ها به حفظ و نگهداری از سالمند در چارچوب خانواده در جهت تحقق ارزش های فرهنگی و عرفی و همچنین کمک به کاهش بار اجتماعی متحمل بر دولت و عوارض و عواقب و آسیب های ناشی از جدایی سالمند از گستره خانواده ضروری می نماید. همچنین رعایت موارد فوق می تواند تسهیل و تسریع در برنامه ریزیهای مربوط به توسعه و پیشرفت جوامع را از طریق کاهش هزینه های اقتصادی و اجتماعی جامعه، موجب گردد.

هدف اصلی تحقیق:

از آنجا که هر نوع برنامه ریزی مبتنی بر اطلاعات و شناخت جامعه بوده و از جمله مشکلات جامعه، فقر اطلاعات در زمینه های مختلف اجتماعی و یا حداقل اطلاعات دقیق و قابل اعتماد از وضعیت اقشار جامعه است. به دلیل جوانی جمعیت که از ویژگیهای جامعه فعلی ایران محسوب می گردد، برنامه ریزان و کارگزاران اولویت را به جوانان داده اند. و نتیجتاً سالمندان از نظر دور و مهجور مانده اند. (مثنوی، ۱۳۷۷، ص ۷)

اصلی ترین انگیزه در انتخاب این موضوع جهت تحقیق و بررسی، ضمن تمام مسائل و مشکلات موجود در این زمینه و در برخورد با این گروه سنی، توجه و تأکید بر کمبودها و نارسایی های موجود در این زمینه در جامعه بوده که شاید یکی از دلایل بروز آنها همان کم توجهی و بی توجهی مسئولان در گذشته باشد. این طرح با هدف بررسی عوامل و شرایط مؤثر بر جایگاه و موقعیت فرد سالمند در خانواده سعی دارد، زمینه های ثبات و دوام این دسته از افراد را در جامعه شناخته و مورد بررسی قرار دهد. و متقابلاً آنچه را که باعث می گردد افراد سالمند پس از گذشت و طی سالیان متمادی از عمر و زندگی در خانواده و در میان اعضای خانواده دچار دگرگونی و حتی افت و رکود در موقعیت و منزلت خود گردند و درگیر تغییرات جدی و مؤثر در کیفیت زیست خانوادگی شوند، مشخص نماید.

ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق:

برای توجیه ضرورت هر پژوهش علمی باید استدلال شود که تحقیق مورد نظر آیا به ارتقاء دانش آدمیان در باب پدیده ای خاص از پدیده های هستی می انجامد (کاربرد شناختی) یا به تغییر و گسترش اندیشه، منطق و شیوه استدلال منجر می شود (هدف فلسفی) و یا اینکه محیط مادی و فیزیکی را دگرگون ساخته، به ابزارسازی و بهسازی محیط و رفع حوائج آدمیان یاری می رساند (هدف کاربردی). (پیران به نقل از جانمردی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۳)

تحقیق حاضر همانگونه که در بخش طرح مسأله و هدف، متذکر شد، سعی دارد با شناخت مسائل و مشکلات سالمندان در قالب هدف اول و تلاش جهت تغییر در نگرش افراد جامعه نسبت به سالمند و پدیده سالمندی و شناساندن آن به عنوان یک روند طبیعی عمر و نه چیز دیگر، مطابق هدف دوم و نهایتاً عطف توجه برنامه ریزان و مسئولان اجتماعی و رفاهی در زمینه برنامه ریزی و مدیریت این امر به عنوان یک مسأله مهم اجتماعی با هدف کاربردی تلاش نماید.

تغییر ساختار خانواده تحت شرایط عصر جدید موجب گردیده که سالمندان احساس آسیب پذیری بیشتری داشته باشند. در کشور ما پیران همواره از موقعیت ممتازی بر مبنای احترام و از جایگاهی والا و با اقتدار برخوردار بوده اند ولی این موقعیت تحت تأثیر گرایش های نوین عصر حاضر در حال فروپاشی است و جایگاه ممتاز یاد شده زیر سؤال قرار گرفته است. بنابراین زمان آن رسیده که سیاست های ملی مربوط به سالخوردگان با آگاهی از این تغییرات به نحوی تدوین شود که بتوان از مواجه شدن با برخی از مشکلات مربوط به سالمندان که برخی از کشورهای توسعه یافته با آن روبرو شده اند پرهیز کرد.

انقلابات علمی در سالهای اخیر که به انفجار آگاهی و اطلاعات انجامیده است موجب دگرگونیهای فزاینده اجتماعی گردیده اما نتوانسته است نقش سالمندان را به عنوان انتقال دهندگان ارزش های معنوی و سنت ها و همچنین تجربیات علمی کاهش دهد. به همین منظور باید پاسداری از برنامه های آموزشی سالمندان به عنوان آموزگاران و انتقال دهندگان فرهنگ و دانش به نسل جوان توسعه یابد و آن را بدون تبعیض باید حق مسلم آنان دانست. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۱، ص ۸۸)

فرایند تاریخی موقعیت سالمندان در جهان و ایران:

برای بررسی وضعیت و موقعیت سالمندان از نتایج کار قوم شناسان استفاده گردیده است هر چند خطر یکطرفه بودن اطلاعات نمونه وجود دارد ولی از طریق مقایسه و مقابله می توان بر مدارک و شواهد موجود روابط و مناسبات معنی دار یافت. (دوبوار، ۱۳۶۵، ص ۶۵)

طبق نتایج حاصل از مدارک و اطلاعات بدست آمده از مطالعات و تحقیقات انجام شده تا کنون به مواردی برخورد شده است که در آن «کهنسالان» یا در اوج حرمت اجتماعی یا در قعر آن قرار داشته اند.» (همان منبع، ص ۱۱۴)

در بسیاری از اقوام ابتدایی، آنهایی که با شکار و جمع آوری غذا زندگی می گذراندند و یا دامدارانی که کوچ می کردند، نیروی جسمی افراد برای مشارکت در امور قبیله مهمترین عامل محسوب می شد و همین که افراد در اثر پیری، نیروی جسمی خود را از دست می دادند، از امور قبیله کنار گذاشته شده و در برخی موارد هم، محکوم به مرگ بودند، این

حکم در هر قبیله ای به شکلی، مطابق رسوم و اعتقادات آنها انجام می شد. (دوبوار به نقل از

سام آرام، ۱۳۷۸، ص ۳۱۱)

مردم سیری آنو که در جنگل های بولیوی زندگی می کردند به طور مداوم و با خشونت تمام برای تأمین غذا با یکدیگر می جنگیدند. فرزندان آنان به والدین خود بی اعتنا بوده و در موقع تقسیم غذا والدین معمولاً از یاد می رفتند. هولمبرگ در مورد این مردم چنین نقل می کند: «روزی، پیش از یکی حرکت های عمومی و کوچ قبیله، متوجه می شود که پیرزنی بیمار که از شدت بیماری توان حرف زدن نداشته، در داخل یک تنو خوابیده است. می گوید من از رئیس قبیله پرسیدم، پیرزن بیمار را چه خواهند کرد؟ جوابم داد که این را از شوهرش بپرسم. شوهرش نیز اطلاع داد که او را باقی خواهد گذاشت تا در همانجا جان سپارد. روز بعد همه افراد قبیله بدون خداحافظی از پیرزن بیمار، دهکده را ترک کردند. سه هفته بعد، من نو را با بقایای پیرزن بیمار مشاهده کردم.» (دوبوار، ج ۱، ص ۷۱)

قبیله فانک^۱ با اینکه به دین مسیحیت گراییده اند، ولی مردان بدون فرزند و بخصوص بیوه زنان از سختی و دشواری خاصی رنج می بردند و آنها را به هنگام کوچ، در جنگل ها رها می کنند و بطور کلی باید گفت که مردان کهنسال از زندگی عمومی قبیله طرد می شوند. آنها یک زیست حاشیه ای در پیش می گیرند و کسی هم کمترین توجهی به آنان معطوف نمی دارد. (دوبوار، ج ۱، ص ۷۳)

^۱ - Fung

این وضعیت برای سالمندان قبایل دیگر هم مطرح بوده است. مثلاً در برخی از قبایل رسم بر این بود که سالمندان را در خارج از دهکده با مقداری آب و غذا رها کنند. (دوبوار به نقل از سام آرام، ۱۳۷۸، ص ۳۱۲)

در قبیله «هوتن نات»^۲ هرگاه انسان کهنسال به سبب از دست دادن قدرت های خویش بیفایده می گردید، مورد بی توجهی قبیله و اعضای خانواده قرار می گرفته است و تا آغاز سده گذشته هنوز متداول بوده که پسران مرد کهنسال از وی اجازه می خواستند تا او را از قید حیات خلاص سازند و این تقاضا همواره مورد اجابت قرار می گرفت (دوبوار، ۱۳۶۵، ص ۷۹)

در بین سرخپوستان «آجیب وی شمالی»^۳، هنگامی که سن زیاد و ناتوانی بر فرد غلبه می کند در رفتار خانواده ها نسبت به وی تفاوت فراوان مشاهده می شود. گاهی آنها را در کلبه ای متروک و دور از دهکده و یا در جزیره ای رها می سازند و گاه جشنی برپا می شود، چپق صلح کشیده می شود، سرود مرگ خوانده می شود و می رقصند و در همان حال، سالمند توسط پسرش با ضربه تبرزین کشته می شود. ولی به هر حال و بطور کلی، کهنسالان ترجیح می دهند که محترماً و با وقار کشته شوند. (همان منبع، ص ۸۱)

در یکی از کتب ژاپنی بنام «نارایاما»^۴ مطرح شده است که، قربانی کردن سالمندان تا همین اواخر در برخی از نقاط دور افتاده ژاپن وجود داشته است. در این کتاب داستان پیرزنی ۷۰ ساله مطرح شده است که طبق یک رسم محلی، توسط فرزندش به کوهستان برده شده و در آنجا رها می شود. (دوبوار به نقل از سام آرام، ۱۳۷۸، ص ۳۱۲)

^۲ - Hottentot
^۳ - ojibway
^۴ - Narayama

در مقابل این نوع رفتار با سالمندان، از جوامع دیگری نیز می توان نام برد که با وجود فقر عمومی، برای کهنسالان احترام قائل هستند. مثل قبیله «چوک چی^۰» که سالمندان در آن قبیله از احترام بالایی برخوردارند یا قبیله «کیکویو^۶» که در آن فرزندان به اولیای خود احترام فروان می گذارند. همچنین در قبیله «اِپتویکا^۷» معمولاً قدرت در دست سالمندان است. (همان منبع، همان صفحه)

جوامع مختلف بشری در دوره های بس طولانی دارای فرهنگ شفاهی بوده است و تجربیات فرهنگی اکثراً در حافظه افراد سالخورده بایگانی بوده است و از طریق بیانات و اعمال آنها به نسل بعدی منتقل می شده است. افراد سالخورده و با تجربه به این دلیل که گنجینه های فرهنگی جامعه خودشان بوده اند مورد تکریم و احترام خاصی قرار می گرفتند. در قبایل ابتدایی سالمندان نقش های متفاوتی داشته اند از جمله در قبیله «تیو^۸» که از قبایل ساکن در نیجریه می باشد پیرمردانی که به عنوان عقلای قبیله تلقی می شوند، کسانی هستند که از قضاوت و داوری روشن و درست برخوردارند و از جزئیات مربوط به سلسله انساب و عناوین مردم قبیله آگاهند و به قدرت تکلم روشن و منطقی تسلط دارند. آنها از طبیعت امور باخبرند و بر قدرت های جادویی مسلطند. آنها بر باروری و حاصلخیزی زمین نظارت دارند و از آن محافظت می کنند. همه فعالیت های اجتماعی از قبیل جنگ و صلح، عقد قرارداد، ارث و مشاجرات حقوقی، به حوزه امور جادویی مربوط می شود و بنابراین در قلمر کار کهنسالان قرار می گیرد. آنها به درمان بیماران و قضاوت

^۰ - Chukchee

^۶ - Kikuyu

^۷ - Itwika

^۸ - Tiv

در اختلافات می پردازند و به استقرار نظام اجتماعی کمک می کنند. از آنجا که آنان از دیگران به اجداد قبیله نزدیک ترند، نقش آنها در امور دینی بیش از دیگران است و در مقام پیشگویی قرار می گیرند. (دکتر سام آرام، ۱۳۸۵، ص ۲۶)

در مورد نقش سالمندان در جوامع کشاورزی باید گفت در چند هزار سال اخیر، اکثریت جمعیت جهان در جوامع روستایی که دارای آداب و رسوم مذهبی گسترده کنفوسیوس، بودائیسیم، اسلام و مسیحیت هستند زیست می کرده اند. اقتصاد سنتی روستایی بر برداشت از زمین، بنیاد نهاده شده است. واحد تولید اصلی، خانواده بوده و حاکمیت و قدرت مربوط به کار و اگذاری زمین در حوزه عملکرد سالخوردگان قرار داشته است. سالمندان از طریق توصیه ازدواج های از پیش تعیین شده و تعیین وارثان، کنترل و نظارت خود را اعمال می کرده اند. برای به رسمیت شناختن اقتدار والدین سالمند و اکثر سالخوردگان بطور عام، به آنان به دید احترام و عزت نگریسته می شد، از سوی دیگر چون عمر طولانی یک نعمت الهی به شمار می رود، لذا در بین مردم متدین، بخصوص در کشور ما، افراد سالمند به عنوان کسانی که این نعمت، شامل حال آنها شده است از احترام ویژه ای برخوردارند. در گذشته های نه چندان دور در بین روستائیان و عشایر کشورمان، اگر سالخورده ای با عمر طولانی و در سلامت جسمی و روانی بسر می برده است، به عنوان حلال مشکلات و گنجینه تجربیات و مطلع از امور کشاورزی، دامداری و حتی آگاه از تغییرات جوی و غیره، مورد توجه و احترام خاص مردم بوده است. بعلاوه، جوامع سنتی که دارای فرهنگ شفاهی می باشند، برای انتقال فرهنگ به نسل های بعدی، نیازمند عامل ویژه ای هستند که مهمترین آنها، افراد سالمند و آگاه و با تجربه است. بسیاری از سالمندان

در جوامع سنتی به عنوان مربی، چاره ساز و در بسیاری از امور، اعم از کشاورزی، دامداری، هواشناسی و پیش بینی برخی حوادث به عنوان افراد آگاه و در شرایط و حوادث خاصی مثل سیل، آتش سوزی یا جشن ها و مراسم عزاداری، به عنوان رهبران جامعه حضور فعال دارند. (همان منبع، ص ۲۸)

در چین سالمندان در بالاترین نقطه قدرت جا می گرفتند. همه اعضاء خانواده مطیع اوامر سالخورده ترین فرد خانواده بودند. پسر، مطیع اوامر پدر، برادر کوچک از برادر بزرگ حرف شنوی داشت، جوانان با رضایت والدین سالمند، همسر انتخاب می کردند، قدرت رؤسای خانواده که همگی از سالمندان انتخاب می شدند با افزایش سن کم نمی شد. احترام به سالمندان شامل همه سالمندان جامعه بود و با افزایش سن بیشتر می شد. (مجیدی، ۱۳۶۸، ص ۴۹).

قوم یهود به سالمندان احترام زیاد می نهادند، یهود به موسی می گوید: هفتاد تن از سالمندان و مشایخ اسرائیل را گرد آور تا به تو در اداره مملکت کمک کنند. لایان می گوید تو باید پیش پای موی سپیدان بلند شوی و در مقابل آنان با احترام رفتار کنی. در یونان قدیم مفاهیم ناشی از سن با حق ارشدیت و مقام همراه بوده است. بنظر هومر کهنسالی با حکمت مرتبط است. (همان منبع، همان صفحه)

افلاطون سعادت را در تقوی و فضیلت می داند و فضیلت را آگاهی بر حقایق می شمرد. حکومت شایستگان که افلاطون تعریف می کند، حکومت سالمندان است. او می گوید: سالمندی جسمی که به سبب بالا رفتن سن پیش می آید در روح اثری ندارد و هرچه جسم و تمنیات آن کاهش یابد روح از آزادی بیشتری برخوردار است. سقراط می افزاید: